

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2022; 14(47): e1

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

Investigating some Ambiguities about "Alī ibn Abbās Mağūsī" (Haly Abbas)

Mostafa Moallemi¹, Tahereh Shakeri², Assie Jokar^{2,3*}

1. Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran.
2. Traditional and Complementary Medicine Research Center, Addiction Institute, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran.
3. Persian Medicine Department, Faculty of Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: "Alī ibn Abbās Mağūsī", the famous physician of the fourth century AH, although he became world-famous for his precious book, but little is known about his biography. Therefore, the present study examines some ambiguities about "Alī ibn Abbās Mağūsī".

Methods: This research is a summative qualitative content analysis based on the review of several manuscripts of the book *Kāmil al-Şinā'a al-Ṭibbīya* (Royal Medicine) and primary historical sources. In addition, electronic sources have been searched for these keywords: "Alī ibn Abbās Mağūsī", *Kāmil al-Şinā'a al-Ṭibbīya*, *Aḡud al-Dawla*.

Ethical Considerations: In the present study, the ethical aspects of library study including originality of texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: The four ambiguities raised in this study have been solved by referring to the historical sources of the Middle Ages and also some existing manuscripts as follows: the lack of a nickname for "Alī ibn Abbās" arose from Iranian customs and none of the studied manuscripts introduced "Alī ibn Abbās" to be from Ahwaz. The religion of "Alī ibn Abbās" can be considered Islam according to the phrases appropriate to the popular culture of Muslims, but the lack of blessings on the Prophet (peace be upon him) in some manuscripts can reinforce the suspicion that he was a Magian. In mentioning *Aḡud al-Dawla*, it can be said that the time of writing and private release and the time of public release of this book were not united.

Conclusion: The evidences presented in this study to answer the ambiguities, have been able to provide accurate, complete and logical answers to some extent. It seems that such researches can provide a documentary and scientific basis for historical studies, especially in the Islamic period.

Keywords: "Alī ibn Abbās Mağūsī"; *Kāmil al-Şinā'a al-Ṭibbīya*; *Aḡud al-Dawla*

Corresponding Author: Assie Jokar; **Email:** a.jokar@mazums.ac.ir

Received: October 03, 2021; **Accepted:** January 09, 2022; **Published Online:** July 25, 2022

Please cite this article as:

Moallemi M, Shakeri T, Jokar A. Investigating some Ambiguities about "Alī ibn Abbās Mağūsī" (Haly Abbas). *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2022; 14(47): e1.




مجله تاریخ پزشکی

دوره چهاردهم، شماره چهل و هفتم، ۱۴۰۱



بررسی چند ابهام درباره «علی بن عباس مجوسی»

مصطفی معلمی^۱، طاهره شاکری^۲، آسیه جوکار^{۳*} 

۱. گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.
۲. مرکز تحقیقات طب سنتی و مکمل، پژوهشکده اعتیاد، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.
۳. گروه طب ایرانی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: علی ابن عباس مجوسی طبیب مشهور سده چهارم قمری، اگرچه به سبب کتاب گرانسنگ خویش شهرتی جهانی یافته، اما احوالات شخصی او کمتر دانسته شده است. از این رو پژوهش حاضر به بررسی چند ابهام درباره علی بن عباس مجوسی می‌پردازد.

روش: این پژوهش یک تحلیل محتوای کیفی از نوع سوماتیو (Summative Qualitative Content Analysis) است که بر اساس بررسی نسخ متعدد از کتاب کامل‌الصناعة و منابع تاریخی دست اول و منابع الکترونیک، با واژگان کلیدی علی بن عباس، مجوسی، کامل‌الصناعة‌الطبیبة، عضالدولة انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: ابهامات چهارگانه‌ای در این پژوهش مطرح شد که با رجوع به منابع تاریخی سده‌های میانه و همچنین برخی نسخه‌های خطی موجود به ترتیب ذیل به آن‌ها پاسخ داده شد. فقدان کنیه برای علی بن عباس برخاسته از آداب ایرانیان بوده و در هیچ یک از نسخه‌های مورد بررسی نسبت اهوازی برای علی بن عباس ذکر نشده است. دین علی بن عباس با توجه به عبارات متناسب با فرهنگ عامه مسلمین می‌تواند اسلام در نظر آورده شود، اما فقدان صلوات بر پیامبر (ص) در برخی نسخه‌ها می‌تواند این گمان را تقویت کند که او مجوسی بوده است و اختلاف نسخه‌ها در یادکرد از عضالدولة می‌تواند از عدم اتحاد زمان نگارش و عرضه خصوصی و زمان عرضه عمومی این کتاب برخاسته باشد.

نتیجه‌گیری: شواهدی که در این پژوهش برای پاسخگویی به ابهامات بیان شده، تا حدودی توانسته است پاسخ‌های دقیق و کامل و منطقی را ارائه نماید. به نظر می‌رسد چنین پژوهش‌هایی می‌توانند زمینه‌ای مستند و علمی برای مطالعات تاریخی به ویژه در دوره اسلامی را فراهم آورند.

واژگان کلیدی: علی بن عباس مجوسی؛ کامل‌الصناعة‌الطبیبة؛ عضالدولة

نویسنده مسئول: آسیه جوکار؛ پست الکترونیک: a.jokar@mazums.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۵/۰۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Moallemi M, Shakeri T, Jokar A. Investigating some Ambiguities about "Alī ibn Abbās Mağūsī" (Haly Abbas). *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., *Medical History*. 2022; 14(47): e1.

مقدمه

در عرصه مطالعات تاریخی دوره اسلامی گاه به نام شخصیت‌هایی برمی‌خوریم که به واسطه منابع مختلف کم و بیش از احوالات آنان باخبریم، اما از برخی و یا تمام آثاری که به آنان نسبت داده شده^۱، امروزه در هیچ کتابخانه، موزه فرهنگی و یا مجموعه‌های شخصی اثر و نشانی یافت نمی‌شود (۱). از سوی دیگر گاه با آثاری مواجه می‌شویم که شهرت فوق‌العاده‌ای دارند، اما از نویسندگان آن اطلاعی در دست نیست^۲ و یا اگر هست در حد احتمالات بسیار ناچیز است که قابل اتکا نیست (۳-۲). علی بن عباس مجوسی طبیب مشهور سده چهارم قمری یکی از این شخصیت‌هاست که دانسته‌های اندکی از زندگی و احوالات شخصی او در دست است. اگر او خود را شاگرد ابوماهر موسی بن سیار مجوسی معرفی نمی‌کرد کسی نمی‌دانست او طبابت را نزد چه کسی فرا گرفته است. دین و مذهب او نیز با واژه مجوسی که در شهرت خویش آورده غالباً جز زردشتی دانسته نشده است. اگر در کتابش تصریح نام عضدالدوله و تقدیم آن به کتابخانه این سلطان بویهی نمی‌بود، امروزه حتی نمی‌دانستیم او در چه سده و دهه‌ای زندگی می‌کرد (۴).

با این همه می‌توان از تأمل در کتاب او و سایر منابع به نکات تازه‌ای درباره این شخصیت علمی پی برد. زندگی و آثار علمی دانشمندان بزرگ همواره مورد استناد پژوهشگران قرار می‌گیرد، لذا ثبت دقیق اطلاعات آن‌ها از قبیل کنیه و القاب و نسبت‌هایی که به آنان داده می‌شود، مهم و ضروری می‌باشند. ابهامات و پرسش‌هایی درباره این شخصیت و مسائل مرتبط با وی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را این‌گونه فهرست نمود:

- کنیه او در منابع کهن نیامده و در نسخه‌هایی که در این پژوهش بدان مراجعه شده نیز نسخه‌نویسان اشاره‌ای به کنیه او نکرده‌اند. اینکه خود شخص برای رعایت ادب و فروتنی کنیه‌اش را معرفی نکند^۳، قابل درک است (۵)، اما چرا در دیگر منابع کهن کنیه وی ذکر نشده است؟

- برخی منابع سده‌های میانه او را اهوازی خوانده‌اند (۶)، اما در هیچ نسخه‌ای از نسخ مورد مراجعه علی بن عباس خود را

اهوازی خوانده است پژوهش‌های معاصر با کدام استناد معتبر علی بن عباس را اهوازی خوانده‌اند؟

- منابع کهن و همچنین نوشته‌های معاصر به استناد شهرت مجوسی‌اش آن هم در نسخه‌های کامل‌الصناعة وی را از خاندانی با کیش مجوس معرفی کرده‌اند (۷)، اما از سویی نام او و پدرش عربی است که گمان را به سمت مسلمان بودن ایشان سوق می‌دهد. افزون بر این آیا نشانه‌ای از باورها و اعتقادات مجوسی در کتابش دیده می‌شود؟ برخی گفته‌اند پدر و یا اجدادش مجوسی، ولی خودش مسلمان بوده است. اگر چنین بوده، چرا یک مسلمان پس از اسلام آوردن همچنان مجوسی خوانده می‌شود؟ ادعای مجوسی‌بودن علی بن عباس برخاسته از عبارات کتاب وی است، اما در برخی نسخه‌ها شهرت مجوسی را برای ابوماهر موسی بن سیار آورده‌اند و افزون بر این در برخی نسخه این نسبت حتی برای خود علی بن عباس نیز به کار گرفته نشده است. آیا شهرت و نسبت «مجوسی» لزوماً معنای کیش و مذهب منسوب‌الیه را می‌رساند یا می‌تواند دلایل دیگری داشته باشد؟

- در بیشتر نسخه‌های مورد مراجعه، علی بن عباس در نخستین یادکرد از عضدالدوله عباراتی به کار گرفته که نشان می‌دهد عضدالدوله در حین نگارش مقدمه کامل‌الصناعة هنوز در قید حیات بوده، اما در یادکردهای بعدی جملات دعایی مانند رحمت‌الله علیه، رحمه‌الله، رضی‌الله عنه به کار رفته است. همچنین در یک نسخه در نخستین یادکرد عبارات نصرالله و جبهه و عجل الی الجنان روحه به کار گرفته شده است (۴).

این تغییر و اختلاف نشانه چیست؟

در راستای پاسخگویی به بعضی از ابهامات درباره احوالات این دانشمند بزرگ، پژوهش‌های ارزشمندی صورت پذیرفته است. از مهم‌ترین نوشته‌ها درباره احوالات علی بن عباس اهوازی مقاله‌ای تحت عنوان «مسائل مجوسیه، ملاحظات فی مؤلف کتاب الملکی» به قلم Richter-Bernburg L است. این مقاله که به سال ۱۹۸۰ در «مجله تاریخ العلوم العربیه» منتشر شده، حضور علی بن عباس در بغداد را نفی و بر مجوسی‌بودن او تأکید نموده است. از نظر ریشتر فقدان نعت رسول (ص) در مقدمه کامل‌الصناعة و عدم تمسک علی بن عباس به متون

Organized Medical Compendium» با معرفی علی بن عباس، انتقادات او را نسبت به کتاب‌های پیشین نقل و فهرست مطالب را به طور خلاصه به همراه نمونه‌هایی از تجویزهای پزشکی و بخش‌هایی از پندنامه علی بن عباس را در این مقاله آورده است. با این وجود ابهامات مطرح‌شده در این پژوهش مورد توجه نبوده است (۱۳).

احمدزاده و همکار (۱۳۸۹ ش.) در مقاله «علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی» به معرفی این پزشک ایرانی پرداخته‌اند. مطالب و ادعاهایی مانند اینکه در کتاب‌های تاریخی کنیه‌اش ابوالحسن آمده و یا اینکه اهل اهواز بوده و در شیراز پزشکی آموخته و پزشک همراه عضدالدوله بوده را مطرح کردند. در این مقاله ابهامات موجود در زندگی علی بن عباس با داستان‌سرایی به آسانی حل شده است، بی‌آنکه منبع مستندی ارائه گردد (۱۴).

چنگیزی آشتیانی و همکاران (۱۳۹۰ ش.) در مقاله «آرا و نظرات علی بن عباس اهوازی پزشک نامدار فرهنگ و تمدن اسلام»، ضمن معرفی این طبیب به برخی مطالب پزشکی کتاب که جنبه نوآورانه داشته و نشان‌دهنده دانش و مهارت فوق‌العاده او بوده، اشاره کرده‌اند، اما ابهامات ذکرشده در این مقاله نیز مغفول مانده است. آن‌ها به برخی مطالب نادرست، اما مشهور درباره علی بن عباس اکتفا کرده‌اند (۱۵).

این پژوهش درصدد است به بررسی، تبیین و توصیف چند ابهام درباره احوالات علی بن عباس مجوسی و حل آن بپردازد.

روش

این مقاله یک مطالعه کیفی بر مبنای تحلیل محتوا از نوع سوماتیو (Summative Qualitative Content Analysis) است که بر اساس متون تاریخی و منابع الکترونیک صورت می‌گیرد و شامل مراحل هفت‌گانه مطالعات تحلیل محتوای کیفی می‌باشد (۱۶).

۱. سؤال پژوهش: سؤالات پژوهش در مقدمه بیان شده است.
۲. انتخاب منابع مورد تحلیل: در این تحقیق نسخ مختلف کتاب کامل‌الصناعة‌الطبية، منابع تاریخی و ادبی و پزشکی

دینی در اثبات علم پزشکی مؤید نامسلمان بودن اوست. او به عرضه کتاب کامل‌الصناعة بعد از مرگ عضدالدوله توجه داده، اما نتوانسته فقدان وحدت رویه در یادکرد از عضدالدوله را میان نسخه‌های موجود از کامل‌الصناعة توجیه نماید (۸).

Richter-Bernburg (۱۹۸۵ م.) پنج سال بعد مدخل علی بن عباس را برای دائرةالمعارف ایرانیکا نگاشت که تنها برخی از موارد گفته‌شده پیشین را تغییر داد، از جمله اینکه نزدیک‌ترین زمان ممکن نگارش کامل‌الصناعة را ۳۶۷ قمری و زمان عرضه عمومی آن را پس از مرگ عضدالدوله، یعنی ۳۷۲ قمری اعلام کرده بود، اما در ایرانیکا به این اختلاف اشاره ندارد. او توجیه متقنی درباره اختلاف تعابیر در جملات ترحیمیه درباره عضدالدوله ارائه نکرده است (۹).

غفاری و خضری (۱۳۹۲ ش.) در مقاله «کامل‌الصناعة‌الطبية» کتاب پزشکی بزرگی که تا حدودی ناشناخته مانده است» ضمن اشاره به محدودبودن دانسته‌ها درباره علی بن عباس، بیشتر جایگاه کتاب و ترجمه‌ها و چاپ‌های متعدد آن در دوره معاصر را از محورهای این مقاله قرار دادند. ابهاماتی که در این پژوهش بدان‌ها اشاره شده، در مقاله آن‌ها مورد توجه نبوده است (۱۰).

کتاب ماه علوم و فنون در شماره فروردین ۱۳۸۹ مطلبی با عنوان «پیشینیان فرهیخته: ابوالحسن علی بن عباس مجوسی مشهور به اهوازی» منتشر نموده و در آن مجوسی‌بودن آیین علی بن عباس را ترجیح داده است. همچنین مطالب کتاب، پندنامه و ویژگی‌های آن و دیدگاه مورخان پزشکی اروپایی درباره علی بن عباس، گرچه کوتاه، اما جامع بیان شده است. ابهامات مطرح‌شده در این پژوهش کمتر در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است (۱۱).

زرگران و همکاران (۲۰۱۳ م.) در مقاله «Haly Abbas (949-982 AD)» این طبیب ایرانی را معرفی و مباحثی از کتاب او در بخش بیماری‌های اعصاب و مغز و ستون فقرات را مطرح کردند، اما ابهامات موجود را بررسی نکرده و به گفته‌های منابع معاصر اکتفا نموده‌اند (۱۲).

پویان (۲۰۰۸ م.) در مقاله «Hally 'Abbas, Iranian Celebrated Physician Who Wrote an Excellently

۷. **ارائه نتایج:** پس از دسته‌بندی نتایج و با در نظر گرفتن این نکته که اکثر متون قدیم به زبان عربی است، نویسندگان تلاش کردند برای استفاده بهتر پژوهشگران در سایر رشته‌ها مطالب به زبان فارسی روان ترجمه و ارائه شود.

یافته‌ها

۱. **ابهام نخست: چرا در دیگر منابع کهن کنیه وی ذکر نشده است؟** کهن‌ترین منبعی که ما را از وجود طیبی به نام علی بن عباس آگاه ساخت نگاشته خود اوست. نویسنده کتاب کامل‌الصناعة‌الطیبة خود را علی بن عباس معرفی نموده است. بر اساس نسخ متعدد این کتاب که در نقاط مختلف جهان موجود است و تصویر آن نیز در دسترس همگان قرار دارد، نه مؤلف و نه نسخه‌برداران هیچ یک اشاره‌ای به کنیه علی بن عباس ننموده‌اند. قفطی، ابن ابی‌اصیبه و ابن العبری کنیه‌ای برای وی ذکر نکرده‌اند (۱۷-۱۸).

برخی نویسندگان معاصر وی را ابوالحسن خوانده‌اند (۱۰، ۱۵) که منشأ این کنیه مشخص نیست. در میان معاصرین گویا لیان سرکیس قدیمی‌ترین منبعی است که کنیه ابوالحسن را برای مجوسی آورده است (۱۹). می‌توان گمان داشت که پربسامدی کنیه ابوالحسن برای افرادی با نام «علی»^۴ موجب شده تا علی بن عباس را به ابوالحسن مکتبی نمایند (۲۰).

فقدان کنیه برای علی بن عباس در منابع کهن می‌تواند ناظر به یک سنت ایرانی باشد. چنانچه بپذیریم او و یا پدرش مجوسی بوده‌اند می‌توان فقدان کنیه را امری عادی و برخاسته از فرهنگ ایرانی تلقی نمود. ایرانیان مجوسی به داشتن کنیه پایبند نبوده‌اند، چراکه داشتن کنیه یک سنت عربی بود. همچنین گزارشی موجود است که نشان می‌دهد ایرانیان از اینکه خود را به نام فرزندان خویش معرفی کنند، ننگ داشته‌اند (۲۱).

۲. **ابهام دوم: چرا در هیچ نسخه‌ای از نسخه‌های مورد مراجعه علی بن عباس خود را اهوازی نخوانده است؟** در اهوازی خواندن (به معنای اهواز امروزی) علی بن عباس باید تردید نمود. با توجه به تصاویر نسخ مورد مطالعه در هیچ

سنتی جهان اسلام در کتابخانه‌های نرم‌افزاری: تاریخ تمدن اسلامی، مکتبه الشاملة، نورالسیرة، مکتبه اهل البیت (ع) و جامع طب (نسخه یک) و منابع دیجیتالی SID, Irandoc, Science direct, Pupmed, Scopus, Magiran, ProQuest, Mirath.net, Noormags, مکتبه المصطفی - مرکز احیای میراث اسلامی مورد بررسی و جستجو قرار گرفتند.

۳. **تعریف واژه‌ها و اصطلاحات:** برای گردآوری داده‌ها نخست واژگان کلیدی «علی بن عباس مجوسی» یا «علی بن عباس اهوازی»، «ارجانی»، «کامل‌الصناعة‌الطیبة»، «عضدالدولة» در منابع تاریخی و ادبی و پزشکی سنتی جهان اسلام در کتابخانه‌های نرم‌افزاری جستجو شدند. همچنین در منابع دیجیتالی نیز واژگان «Haly Abbas»، «Kāmil al-Şinā'a al-Ṭibbīya»، «Royal Medicine»، «Ahwāzī»، «Alī b. Abbās Mağūsī»، «Alī ibn Abbās Ahwāzī» جستجو شدند.

۴. **کدگذاری:** با توجه به اهداف مطالعه، واژگان کلیدی کدهای زیر استخراج و کلیه منابع و به خصوص نسخ مختلف کتاب کامل‌الصناعة بر اساس آن‌ها جستجو شدند: «هویت و شرح حال نویسنده کتاب»، «بخش تقدیمات کتاب (کتاب به چه کسی یا کسانی تقدیم شده است)»، «اسامی خاص اشخاص (مانند عضدالدولة)»، «اسامی خاص مکان‌ها»، «انواع انتساب‌ها، دین و آیین»؛ پس از جستجو و فیش‌برداری، تحت عناوینی که در بخش دسته‌بندی آمده، مرتب شدند.

۵. **دسته‌بندی:** در این مرحله، تمامی یافته‌های حاصل از جستجو در منابع تحت عناوین «کتاب کامل‌الصناعة و نسخ مختلف آن»، «شهرت»، «مکان زندگی»، «بازه زمانی حیات»، «کنیه»، «دین و مذهب»، «پادشاهان هم‌دوره»، علی بن عباس دسته‌بندی شدند.

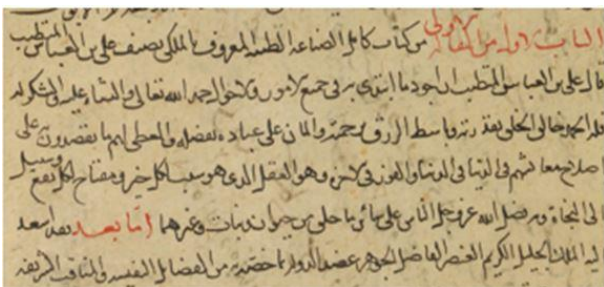
۶. **قابلیت اطمینان و اعتبارسنجی:** چنانچه پژوهشگران با نسخ متون طب سنتی ایرانی آشنا باشند، با جستجو در منابع یادشده طی مراحل توضیح داده‌شده فوق (مراحل ۱ تا ۵)، به نتایج مشابهی دست خواهند یافت.

است (۴)، اگرچه چنین اشاره‌ای در یک نسخه کهن از نسخه‌های کامل‌الصناعة وجود داشته و در دسترس پژوهشگران معاصر نیز بوده، اما تبیین و تحلیل مناسبی از آن ارائه نشده است.

۳. ابهام سوم: آیا شهرت و نسبت «مجوسی» لزوماً معنای کیش و مذهب منسوب‌الیه را می‌رساند؟ در منابع کهن اشاره و تصریحی به دین علی بن عباس وجود ندارد. پژوهشگران و نویسندگان معاصر وی را به اعتبار شهرتش که خود در کتاب کامل‌الصناعة آورده، پیرو آیین مجوس دانسته‌اند. Edward Brown معتقد بود عباس، پدر علی، زردشتیگری را رها کرده و مسلمان شد (۲۹). صفا در تاریخ ادبیات در ایران نوشته است که علی بن عباس چون بر دین زردشتی بود او را مجوسی گفته‌اند و تردیدی در زردشتی بودن او وجود ندارد (۳۰)، البته بسیار مهم است که یادآوری شود در برخی از نسخه‌های کامل‌الصناعة نسبت و یا شهرت مجوسی برای علی بن عباس ذکر نشده است (اشکال ۴-۲) (۳۵-۳۱).

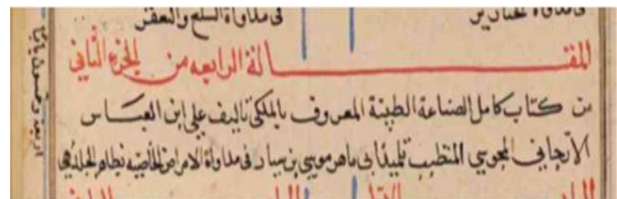


شکل ۲: نسخه متعلق به کتابخانه بودلیان



شکل ۳: ارائه شده در حراجی (تاریخ کتابت ۹۹۱ ق.)

نسخه‌ای او خود را اهوازی نخوانده است. ابن ابی‌اصیبعه در معرفی او عبارت (من الاهواز) را به کار برده که باید دانست اهواز در عصر ابن ابی‌اصیبعه و پیش از آن، نام منطقه (کوره) بوده و بر شهر خاصی اطلاق نمی‌شده و آنچه امروزه اهواز نامیده می‌شود آن زمان سوق الاهواز نام داشته است (۶). در برخی نسخه‌ها در کتابت عنوان ابواب و فصول، نسبت ارجانی به علی بن عباس داده‌اند (شکل ۱) (۲۲).



شکل ۱: نسخه متعلق به دانشگاه ییل

او خود نیز به حضورش در ارجان تصریح کرده است (۲۳). ارجان به ناحیه‌ای از بلاد فارس در سده چهارم قمری اطلاق می‌شده که البته نام مهم‌ترین شهر آن ناحیه نیز بوده است. ارجان بر اساس تقسیمات جغرافیایی سده چهارم قمری آخرین منطقه از سرزمین فارس به سمت خوزستان بوده است (۲۴-۲۶)، عموم جغرافی‌نویسان سده‌های نخستین قمری ارجان را از فارس دانسته‌اند. از معدود شهرهایی که علی بن عباس بدان اشاره داشته، می‌توان عسکر مکرم و جندی‌سابور را نام برد. او در معرفی تجربه‌ای نو در مداوای عقرب‌گزیدگی به روش پزشکان عسکر مکرم اشاره می‌کند (۲۳، ۲۷) که این نشان‌دهنده آشنایی نزدیک او با اتفاقات و پدیده‌های این شهر است. نظامی عروضی^۵ نیز در بخش معرفی پزشکی حضور علی بن عباس را در شیراز متذکر شده است (۲۸). بنابراین می‌توان با اطمینان بیان نمود اهوازی خواندن علی بن عباس بر اساس آنچه از منابع کهن ذکر شده، توجیهی ندارد.

با این حال، درباره نسبت علی بن عباس نکته‌ای وجود دارد که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. نسخه کتابخانه آیت‌... مرعشی نجفی که در سده هفتم قمری نگاشته شده و نسبتاً کهن شمرده می‌شود، علی بن عباس را بغدادی معرفی کرده

«یؤخذ - علی اسم الله تعالی - ايارج فبقرا ستة دراهم»

«و أنا إنشاء الله تعالی - واصف جملة هذه القسمة»

«تافع باذن الله»

«والله سبحانه و تعالی اعلم»

«غير ضار باذن الله»

برخی از عبارات فوق ده‌ها بار و لفظ جلاله «الله» صدها بار در این کتاب ذکر شده است. بسامد این عبارات متناسب با فرهنگ اسلامی می‌تواند نافعی مجوسیت وی باشد.

Richter-Bernburg نوشته است که علی بن عباس عامدانه خود را مجوسی لقب داده تا به پیشینه زردشتی اجداد خویش ارجاع دهد (۸). با آنکه ریشتر ترجیح داده گروش به اسلام را به اجداد او نسبت دهد، نه خود علی بن عباس، جای تعجب است که ذکر مجوسی در لقب او را اقدامی آگاهانه برای جلب نظر مخاطبان نسبت به پیشینه زردشتی‌اش معرفی نموده است.

مباهات به اجداد زردشتی در فضای فرهنگی سده چهارم قمری به نظر چندان پسندیده نبوده است، مگر آنکه خود فرد همچنان مجوسی بوده باشد. شهرت هم که از مقوله هویت به شمار می‌رود، چیزی نیست که فرد بخواهد و بتواند یک‌جانبه و ناگهانی آن را ایجاد نماید، بلکه نیاز به گذشت زمان و پذیرش اجتماعی دارد. به سخن دیگر شهرت علی بن عباس می‌بایست از بدو تولد مجوسی بوده باشد نه اینکه پس از سالیان عمر طولانی و در پی نگارش یک کتاب و برای ارجاع به اجداد مجوسی‌اش خود را مجوسی بخواند.

در اینجا نمی‌توان از بیان نکته‌ای که از مقایسه نسخه‌های خطی موجود از کامل‌الصناعة به دست می‌آید، تغافل نمود. مفتتح نسخه‌های کامل‌الصناعة از عبارات و سیاق واحد برخوردار نیست. در برخی نسخه‌ها در مفتتح آن صلوات بر پیامبر اسلام (ص) وجود ندارد (شکل ۳، شکل ۵) (۲۲، ۳۵).



شکل ۴: نسخه متعلق به دانشگاه ملک سعود

مؤسسه احیای طب طبیعی که چایی از کامل‌الصناعة را منتشر نموده، در مقدمه آن آورده است که علی بن عباس شیعه بوده و دشمنان او به خاطر شیعه‌بودنش او را مجوسی خوانده‌اند (۴). این دیدگاه چنان سست و بی‌پایه است که به نظر نیاز به بحث و ردّ ندارد.

اگر پذیرفته شود شهرت مجوسی در نام علی بن عباس دلالت بر مجوسی‌بودن خود وی دارد آنگاه باید گفت چرا یک مجوسی نام و نشان مسلمانی دارد؟ اگر خود او مجوسی نبوده، بلکه اجدادش بر این کیش بوده‌اند، چرا یک مسلمان و یا مسلمان‌زاده باید مجوسی خوانده شود؟^۶ حال آنکه در فرهنگ عامه مسلمین چه در ایران و چه در عراق عنوان «مجوسی» ضد ارزش تلقی می‌شده است (۳۶-۳۷).

این پرسش‌ها نیازمند پاسخ است و افزون بر این می‌توان گفت اگر او مجوسی بوده آیا اثری از باورهای مجوسی در کتاب او وجود دارد؟ به نظر می‌رسد حضور مشیت الهی و دلالت‌های اسلامی در عبارات این کتاب بسیار برجسته‌تر از کتاب‌هایی است که یقیناً به دست اطبای مسلمان نگاشته شده‌اند. عباراتی که می‌توان به عنوان دلالت‌های متناسب با فرهنگ اسلامی در کامل‌الصناعة فهرست نمود، به شرح ذیل است:

«والله المسؤول علی معونتنا علی تمام ما نقصد إلیه أنه علی ما یشاء قدیر و هو حسبی و نعم الوکیل»

«و هی أبدان الناس التی هی أكرم علی الله عز و جل» من سائر ما خلق، إذ کان عز و جل اسمه خلق سائر ما خلق من أجل الإنسان و للإنسان»

شده است. حال آنکه سنت نگارش اسلامی اقتضا می‌کرد هر مسلمانی پس از حمد و ثنای الهی بر پیامبر (ص) درود بفرستد. این مسأله می‌تواند، با اندکی تسامح، برخاسته از فضای فرهنگی آن دوره بوده و ناظر به جنبش عقل‌گرایی افراطی در سده چهارم قمری باشد. عقل‌گرایان بر کفایت عقل در جمیع امور بشری اصرار داشتند. برخی پزشکان با فربه‌نمودن جنبه‌های فلسفی در مباحث کلیات و طبیعیات، پا را از ساحت پزشکی فراتر نهادند. ورود پزشکان به ساحت فلسفه اعتراض برخی فلاسفه را به دنبال داشته است (۴۰).

نمونه آنکه ابن سینا (متوفی ۴۲۸ ق.) محمد بن زکریای رازی (متوفی ۳۱۱ ق.) را به سبب ورود به حیطة فلسفه استهزاء نموده است (۴۱). صاحب بن عباد نیز ابوالحسن طبری (متوفی ۳۷۵ ق.) را به علت ورود به فلسفه نکوهش کرده است (۴۰).

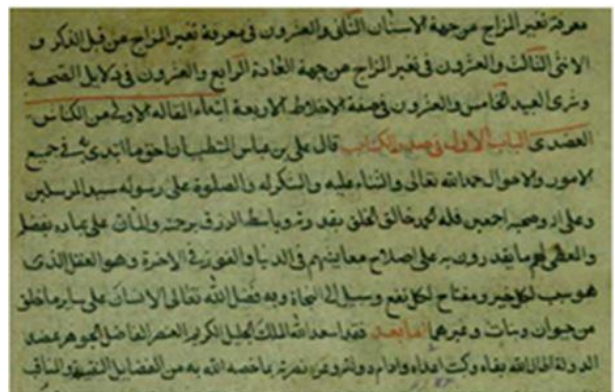
اگر فارغ از تسامح به این مسأله نگریسته شود، نمی‌توان فقدان صلوات را به هیچ روی توجیه نمود. خداوند بعثت پیامبر (ص) را منتی بر سر امت اسلام معرفی کرده، اما علی بن عباس اعطای عقل را منت برشمرده است (۴). این تفاوت نگاه و اکتفا به عقل می‌بایست با جسارت و جرأت فوق‌العاده‌ای همراه بوده باشد که می‌تواند با مسلمان بودن علی بن عباس ناسازگار باشد، مگر آنکه گفته شود علی بن عباس اساساً مسلمان نبوده است و نام عربی داشتن هم نباید مانع از پذیرش نام‌مسلمان بودن او گردد، چراکه این نام‌ها پیش از اسلام نیز مرسوم بوده و ملازمه‌ای میان اسلامیت و نام‌های عربی وجود نداشته است.

۳-۱. پیوند میان نسبت مجوسی و درب المجوس بغداد:
از آنجا که علی بن عباس خود را مجوسی خوانده، لاجرم هر مخاطبی می‌پندارد او در صدد بیان کیش خویش است، اما این پندار می‌تواند بی‌اساس باشد، چراکه چنین ارجاعی در نسبت‌ها و شهرت‌ها رایج و حتی پسندیده نبوده است. شخصیت‌هایی در تاریخ صدر اسلام و سده‌های اولیه اسلامی بوده‌اند که کیش مجوسی داشتند^۷، اما در شهرت آنان مجوسی گفته نشده است (۴۴-۴۲).



شکل ۵: نسخه دانشگاه بیبل (کتابت ۸۴۲ ق.)

در برخی نسخه‌ها شاهد دو مفتتح هستیم که به نظر یک مفتتح را کاتب یا نسخه‌بردار نوشته و مفتتح دوم همان چیز است که علی بن عباس به عنوان خطبه نخستین کتابش نگاشته است (شکل ۶) (۳۲، ۳۸).



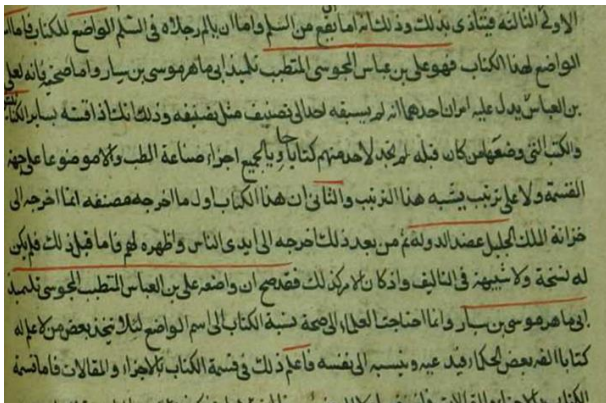
شکل ۶: نسخه متعلق به دانشگاه ریاض عربستان

در مفتتح کاتب صلوات وجود دارد و در مفتتح دوم تنها به حمد و ستایش الهی بسنده شده است که یقیناً عبارت مؤلف کتاب بوده است. با این حال در برخی نسخه‌ها در مفتتح دوم نیز صلوات وجود دارد (شکل ۶) (۳۴).

در کتیبه صفحه نخست نسخه چاپی بولاق، طبق روال چاپخانه کلیشه بسمله و صلوات آمده، اما در متن اصلی ذکر صلوات در مفتتح مؤلف نگاشت دیده نمی‌شود (۳۹).

در بیشتر نسخه‌های مورد بررسی در این پژوهش پس از ستایش الهی به اعطای عقل از جانب خداوند به انسان توجه

میان پزشکان مشهور زمان خویش چندان برجسته نبوده و سایه شخصیت‌های دیگر اجازه ظهور و بروز به او نمی‌داده است. تأکید بر شاگردی نزد ابوماهر نیز نشان می‌دهد علی بن عباس خود را آن چنان شهره نمی‌یافته که بی‌ذکر استاد خویش مقبولیت یابد (شکل ۷) (۴).



شکل ۷: نسخه متعلق به دانشگاه ریاض عربستان، شماره ۳۳۶۱

Richter-Bernburg نوشته است دلیل فقدان داده درباره مجوسی در منابع نوشته‌شده در بغداد عدم حضور علی بن عباس در بغداد بوده است (۸). به نظر می‌رسد این دیدگاه درست نباشد، چراکه پزشکانی مشهورتر از مجوسی در بغداد بوده‌اند^۹ که نام مجوسی در برابر نام آن‌ها کم‌فروغ بود، ولی درباره آن پزشکان نیز کمبود داده وجود دارد (۶).

۴. ابهام چهارم: تغییر و اختلاف در یادکرد از عضدالدولة در نسخه‌های مورد مراجعه نشانه چیست؟ معروف است که علی بن عباس طبیب عضدالدولة دیلمی بوده و کتابش را به این سلطان تقدیم نموده است. تقدیم کتاب روشن و تردیدی در آن نیست (شکل ۸) (۳۴)، اما نکته مهمی وجود دارد که شایسته توجه است.

به منظور جستجوی بیشتر درباره نسبت مجوسی به کتاب الانساب نوشته عبدالکریم سمعانی مراجعه شد. نکته مهمی به دست آمد که می‌تواند در گشایش این ابهام کمک‌کننده باشد. سمعانی در مدخل مجوسی محدثانی را نام می‌برد که به علت سکونت در محله‌ای موسوم به کوچه مجوس (درب المجوس) در بغداد به مجوسی شهرت یافتند. ابوالحسن علی بن هارون مغزالی مجوسی، ابومحمد مبارک بن علی سقطی مجوسی و ابوالخطاب عبدالصمد بن محمد مجوسی، از جمله محدثانی‌اند که به سبب سکونت در درب المجوس یا کوچه مجوسی‌ها، در نسبتشان مجوسی ذکر شده است (۴۵).

درب المجوس از محلات بخش غربی بغداد در ناحیه قطفتا بوده است. این محله بر رغم آنکه نام مجوس گرفته، اما بزرگانی از مسلمانان در این محله زندگی می‌کرده‌اند، مانند ابوبکر باقلانی (متوفی ۴۰۳ ق.) که حتی در این محله مدفون شده بود. خطیب بغدادی (متوفی ۴۶۳ ق.) ابوعلی احمد بن عبدالواحد معروف به ابن زوج الحرة (متوفی ۴۲۸ ق.) را از اهالی درب المجوس معرفی کرده است (۴۶). ابن ابی الصقر انباری (متوفی ۴۷۶ ق.) نوشته است که نزد ابوطالب عمر بن ابراهیم در منزلش در درب المجوس از ناحیه قطفتا در بغداد حدیث قرائت نموده است (۴۷). انتساب به محلات چنانکه امروزه در فرهنگ معاصر وجود دارد، در گذشته نیز معمول و متداول بوده است. طرفه آنکه حتی برخی علمای مسلمان به سبب سکونت در محله متعلق به اهل کتاب به آن محله منسوب شده‌اند (۴۸-۴۹).

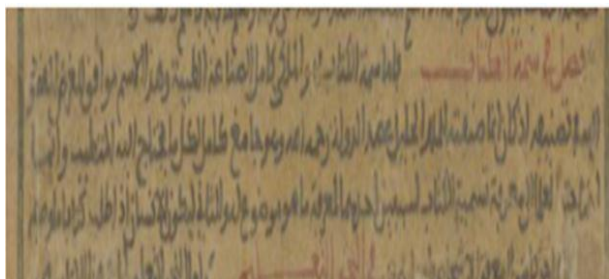
بنا بر شواهد ذکرشده می‌توان احتمال داد علی بن عباس پس از ورود به بغداد (۵۱-۵۰) در درب المجوس ساکن شده و به جهت اقامت در این محله به مجوسی شهرت یافته باشد^{۱۰}. اگر چنین احتمالی پذیرفته شود، آنگاه بحث درباره زردشتی‌بودن وی، بر اساس این شهرت و نسبت، جایگاهی نخواهد داشت. این نکته را نیز باید در نظر داشت که درباره احوالات شخصی علی بن عباس اطلاعات کمی در اختیار است و پژوهشگر ناگزیر از اندیشیدن به این‌گونه احتمالات خواهد بود، اگرچه کتاب کامل‌الصناعة شهرت جهانی یافت، اما علی بن عباس در



شکل ۱۰: نسخه متعلق به کتابخانه آیت... مرعشی نجفی

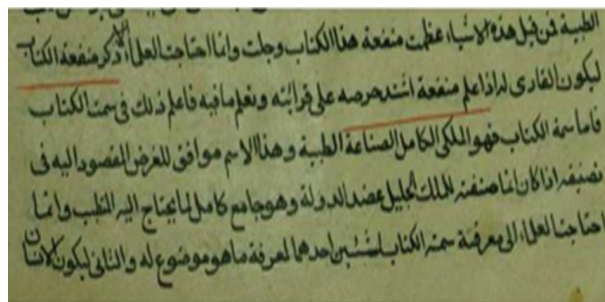
(تاریخ کتابت ۶۸۱ ق.)

این دو نسخه از کهن‌ترین نسخه‌های موجود از کتاب کامل‌الصناعة هستند. در ترقیمه نسخه بریتانیا آمده که در مصر به تاریخ ۱۶ جمادی الثانی سال ۵۴۸ قمری کتابت شده است. نسخه کتابخانه مرحوم مرعشی نجفی نیز در سال ۶۸۱ قمری کتابت شده است. در نسخه بریتانیا جملات دعائیه در مفتتح مؤلف نگاشت دیده نمی‌شود و در بخش تسمیه کتاب پس از ذکر نام عضالدولة عبارت «رحمه الله» آمده است (شکل ۱۱) (۳۸).



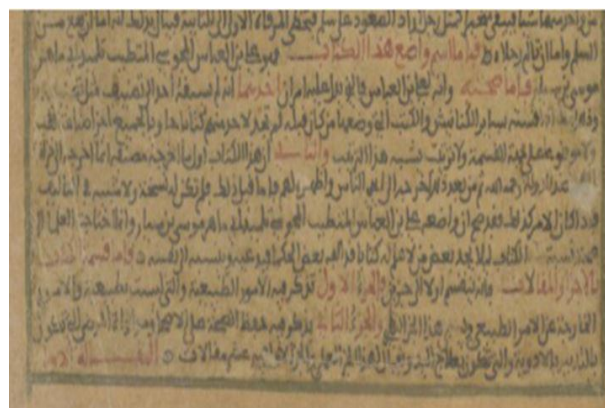
شکل ۱۱: نسخه متعلق به موزه بریتانیا، کتابخانه شرقی، شماره ۶۵۹۱

نسخه دانشگاه پرینستون که بنا به ادعای ترقیمه‌اش به سال ۵۸۶ قمری کتابت شده^۱، آورده است: «اما بعد فقد اسعد الله الملك الجليل الكريم العنصر الفاضل الجوهر عضدالله اطال الله بقاءه و کبت أعدائه بما خصه الله...» (شکل ۱۲) (۳۲).



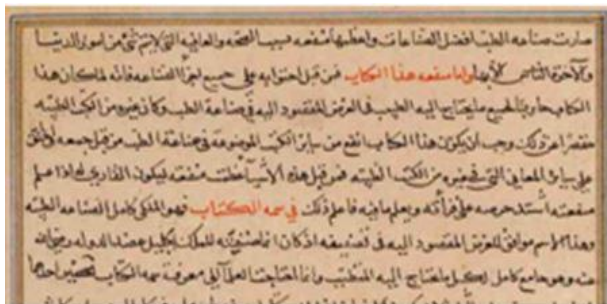
شکل ۸: نسخه متعلق به دانشگاه ریاض عربستان

در نسخه‌های موجود از کامل‌الصناعة هنگام ذکر نام عضالدولة (به استثنای نخستین یادکرد) جملات دعائیه‌ای به کار رفته که نشان می‌دهد مدعوله از دنیا رفته است، جملاتی نظیر رحمه الله، رضی الله عنه، رحمه الله علیه آشکارا نشان از درگذشت عضالدولة هنگام تحریر این کتاب دارد. جملات دعائیه نیز در نخستین یادکرد از عضالدولة در نسخ موجود یکسان نیست. نسخه بریتانیا این‌گونه دارد: «اما بعد فقد اسعد الله الملك الجليل الكريم العنصر الفاضل الجوهر عضدالدولة بما خصه الله...» (شکل ۹) (۳۸).



شکل ۹: نسخه متعلق به موزه بریتانیا، کتابخانه شرقی، شماره ۶۵۹۱

نسخه کتابخانه آیت... مرعشی نجفی این‌گونه آورده است: «اما بعد فقد أسعد الله الملك الجليل الكريم العنصر الفاضل الجوهر عضدالدولة نصر الله وجهه و أكرم منقلبه و عجل إلى الجنان روحه...» (شکل ۱۰) (۴).



شکل ۱۴: نسخه متعلق به دانشگاه بیبل



شکل ۱۲: نسخه متعلق به دانشگاه پرینستون



شکل ۱۵: نسخه متعلق به دانشگاه بیبل



شکل ۱۳: نسخه متعلق به دانشگاه بیبل

اما در مفتتح مؤلف نگاشت، پس از ذکر نام عضدالدولة این‌گونه آمده است: «اما بعد فقد اسعدك الله الملك الجليل الكريم العنصر الفاضل الجوهر عضدالدولة اطلال الله بقاءه و کبت اعداه و ادام سلامتہ و دولته و عزه و نصرته...» (شکل ۵) (۲۲). همین نسخه در دیگر موارد یادکرد از عضدالدولة عبارات «رضی الله عنه» و «رحمه الله» را آورده است (اشکال ۱۵-۱۴) (۲۲).

در نسخه دانشگاه ملک سعود که از میانه و انتها افتادگی دارد و تاریخ کتابت به طور تخمینی سده نهم قمری برآورد شده است، جملات دعائیه در مفتتح مؤلف نگاشت دیده نمی‌شود و تنها در بخش تسمیه کتاب، پس از ذکر نام عضدالدولة، عبارت «رحمه الله» آمده است (شکل ۴) (۳۳).

در مفتتح نسخه دانشگاه پرینستون، پس از نام عضدالدولة، عبارت «اطال الله بقاءه و کبت اعداه» آمده است. جملات دعائیه در مفتتح مؤلف نگاشت دیده نمی‌شود و در بخش تسمیه کتاب پس از ذکر نام عضدالدولة عبارت «رحمه الله» آمده است (شکل ۱۲) (۳۲). در نسخه بودلیان آکسفورد نیز همین عبارت آمده است، اما در صفحه نخست نسبت مجوسی را برای ابوماهر موسی بن سیار آورده و علی بن عباس صرفاً با لقب المتطبب معرفی شده است، جملات دعائیه در مفتتح مؤلف نگاشت دیده نمی‌شود و در بخش تسمیه کتاب پس از ذکر نام عضدالدولة عبارت «رحمه الله» آمده است (شکل ۲) (۳۱).

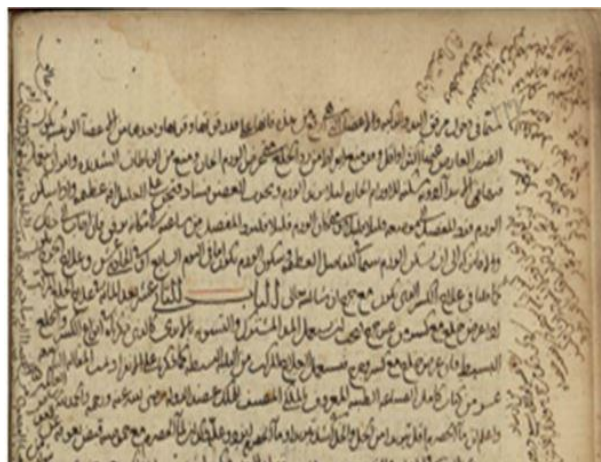
در نسخه مجلس شورای ملی نیز عبارات «رحمه الله» و «رضی الله عنه» پس از نام عضدالدولة آمده است و جملات دعائیه در مفتتح مؤلف نگاشت دیده نمی‌شود و در بخش

تقدیم کرده است. او دلیل این کار را پیشگیری از انتقال (سرقه ادبی) اعلام نموده تا به استناد عرضه آن به کتابخانه دولتی بتواند ثابت کند نویسنده اثر خود اوست. بنابراین می‌توان یقین داشت این کار مستلزم صرف زمان بوده است؛ دوم آنکه به گواهی منابع معتبر تاریخی خیر مرگ عضالدولة چند ماه پنهان نگاه داشته شد تا امور برای استقرار سلطنت پسرش صمصام الدوله مهیا گردد (۵۴-۵۳). اگر در مواجهه با اختلاف نسخه‌ها در یادکرد از عضالدولة این دو نکته لحاظ گردد، می‌توان گمان برد که مرگ عضالدولة در حد فاصل میان عرضه خصوصی و عمومی نسخه کامل‌الصناعة اتفاق افتاده باشد. اگر چنین پاسخی پذیرفته شود آنگاه می‌توان گفت کامل‌الصناعة در سال ۳۷۲ یا ۳۷۳ قمری عرضه شده است.

روذراوری (متوفی ۴۸۸ ق.) در ذیلش بر تجارب الامم در اشاره به رواج بازار علم در دوران عضالدولة به نگارش کتاب‌هایی در روزگار وی اشاره کرده که از جمله آن کناش العضدی بوده است (۵۵). او نام مؤلف این کتاب را ذکر نکرده است. عده‌ایی گمان برده‌اند این کناش همان کتاب الملکی و یا کامل‌الصناعة الطیبة است. به نظر می‌رسد روذراوری این کتاب را ندیده که اگر دیده بود می‌دانست نامش کامل‌الصناعة الطیبة و به الملکی نیز معروف بوده است، چنانکه خود علی بن عباس مجوسی آن را چنین نامید. بنابراین حتی در صورت یکی دانستن کناش عضدی با کامل‌الصناعة، تعبیر «نگارش در ایام عضالدولة» نمی‌تواند برای تعیین زمان دقیق به کار آید که نهایتاً بتواند مانع طرح فرضیه این پژوهش گردد. افزون بر آنکه روذراوری متولد ۴۳۷ قمری بوده و عضالدولة شصت و اندی سال پیش از آن درگذشته بود.

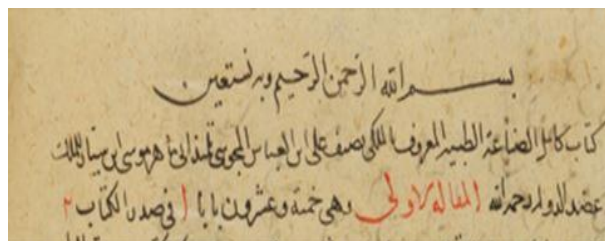
Richter-Bernburg در مدخل علی بن عباس مجوسی در ایرانیکا، زمان نگارش کامل‌الصناعة را پیش از ۳۶۷ و پس از ۳۶۴ قمری دانسته است. او به نامه‌های ابواسحاق صابی (متوفی ۳۸۴ ق.) استناد نموده که لقب «الملك الجلیل»^{۱۲} را از سال ۳۶۴ و لقب «تاج‌الملة» را از سال ۳۶۷ برای عضالدولة به کار گرفته است (۹).

تسمیه کتاب نیز پس از نام عضالدولة عبارت «رحمه‌الله» آمده است (شکل ۱۶) (۵۲).



شکل ۱۶: نسخه متعلق به مجلس شورای ملی، شماره ۶۶۰۱

در یک نسخه متعلق به سده دهم قمری در مفتح آن عبارت «رحمه‌الله» برای عضالدولة به کار گرفته شده و در یادکرد بعدی نیز هیچ جمله دعائیه‌ای نیامده است (شکل ۳، شکل ۱۷) (۳۵).



شکل ۱۷: ارائه شده در حراجی (تاریخ کتابت ۹۹۱ ق.)

خاستگاه این اختلافات چه می‌تواند باشد؟ از آنجا که هیچ یک از نسخ موجود که مورد بررسی قرار گرفته، رویه یکسانی در موارد یادکرد از عضالدولة نداشته‌اند؛ احتمال دستبرد و یا لغزش کاتبان در پیدایش این اختلافات بسیار ضعیف می‌نماید^{۱۱}، برای فهم خاستگاه این اختلافات شاید توجه به دو نکته کمک‌کننده باشد.

نخست آنکه علی بن عباس تصریح نموده پیش از عرضه عمومی کامل‌الصناعة نسخه‌ای از آن را به کتابخانه عضالدولة

عضدالدولة می‌آورد، اما عضدالدولة خود چندان به این لقب خشنود نبود. از سویی دیگر دلیلی وجود ندارد که خود را ملتزم بدانیم که القاب افراد در همه مکاتبات و یا مخاطبات به طور کامل استفاده می‌شده است (۵۵). بنا بر آنچه تاکنون در مورد ابهام چهارم بیان شده، می‌توان این احتمال را بسیار جدی دانست که نسخه اولیه کامل‌الصناعة در حد فاصل میان درگذشت عضدالدولة و اعلان رسمی آن، به کتابخانه وی عرضه شد، اما نسخه عمومی آن پس از اعلان درگذشت در دسترس عموم قرار گرفته باشد.

بحث

احوال شخصی دانشمندان سرشار از اطلاعات تاریخی است که باید به منظور ارزیابی درست از وقایع در مطالعات تاریخی مد نظر قرار گرفته شود (۵۸). در این پژوهش با رجوع به منابع تاریخی سده‌های میانه و همچنین برخی نسخه‌های خطی موجود، پاسخ‌های ذیل جهت رفع ابهامات به دست آمد. در مورد فقدان کنیه برای علی بن عباس گویا برخاسته از آداب ایرانیان بوده که توجهی به داشتن کنیه به نحو سنت عربی نداشته‌اند.

در هیچ یک از نسخه‌های مورد بررسی نسبت اهوازی ذکر نشده است. او را به اعتبار ایرانی‌بودنش باید ارجانی و یا شیرازی خواند و به اعتبار سکونت در بغداد می‌توان بغدادی نامید، چنانکه در یکی از نسخ کهن او را بغدادی خوانده‌اند. به نظر می‌رسد اینکه ابن ابی‌اصیبه او را از اهواز معرفی نموده، به دلیل ناآگاهی بوده است، چنانکه توضیحات بسیار کوتاه او درباره مجوسی و کتابش نشان می‌دهد وی چندان با این شخصیت آشنا نبوده است.

دین علی بن عباس با توجه به عبارات متناسب با فرهنگ عامه مسلمین می‌تواند اسلام در نظر آورده شود، اما فقدان صلوات بر پیامبر (ص) در برخی نسخه‌ها می‌تواند این گمان را تقویت کند که او مجوسی بوده است، مگر آنکه این مسأله را برخاسته از فضای فرهنگی سده چهارم قمری بدانیم. احتمال بسیار ضعیفی نیز وجود دارد که مجوسی نسبت استاد وی بوده و نه

بنا به اعتقاد Richter-Bernburg اگر کامل‌الصناعة پس از سال ۳۶۷ قمری نگاشته می‌شد، یقیناً علی بن عباس به این لقب مهم اشاره می‌کرد و چون این لقب در کامل‌الصناعة نیامده، لذا پیش از تاریخ یادشده نوشته شده است. این استناد در مورد دورترین زمان محتمل (۳۶۴ ق.) کاملاً به جاست (۵۶)، اما در مورد نزدیک‌ترین زمان محتمل پذیرفتنی نیست. عدم استفاده از لقب «تاج‌الملة» درباره عضدالدولة لزوماً به این معنا نیست که نگارش این کتاب پیش از صدور این لقب از سوی الطائع خلیفه عباسی روی داده باشد، چراکه به استناد به منابع تاریخی، عضدالدولة خواهان لقب تاج‌الدوله بود، ولی خلیفه از اعطای این لقب امتناع کرد و پادشاه بویه را سزاوار آن ندانست، چنانکه المستکفی (حک: ۳۳۳-۳۳۴ ق.)، پیش از وی، احمد معزالدوله (متوفی ۳۵۶ ق.) را سزاوار لقب عزالدوله ندانسته و ترجیح داده بود او را معزالدوله بخواند (۵۶).

گرچه ابوالحسین هلال بن محسن صابی (متوفی ۴۴۸ ق.) تلاش نموده تا با نقل سخنی از پدر بزرگ خویش، ابواسحاق ابراهیم بن هلال صابی، هم نقش جدش در اعطای لقب تاج‌الملة به عضدالدولة را برجسته نماید و هم خشنودی عضدالدولة از این لقب را نشان دهد، اما واقعیت این است که عضدالدولة چندان به این لقب خشنود نشد (۵۶). ارتباط صابی و عضدالدولة هم در سال‌های پس از این تلقیب چنان به تیرگی گرایید که سلطان بویه قصد کشتن او نمود و با میانجیگری برخی متنفذان اعدامش به حبس تغییر یافت (۵۷). صابی نیز برای آنکه ماجرای تاج‌الملة و تاج‌الدوله را جاودانه سازد و داغ آن را بر دل عضدالدولة تجدید نماید، ترجیح داد نام کتابش درباره آل بویه را التاجی بگذارد (۵۷).

لقب تاج‌الدوله چنان برای پسران آل بویه فریبنده و دستیابی به آن ریشه‌دار بود که یکی از فرزندان عضدالدولة^{۱۳} بلافاصله پس از مرگ پدر، در اقدامی کودتایی ضد برادرش صمصام الدوله، خود را تاج‌الدوله نامید (۵۷). بنابراین عدم استفاده از لقب «تاج‌الملة» در یادکرد از عضدالدولة نمی‌تواند برخاسته از این گمان باشد که هنوز این لقب به او اعطا نشده بود، اگرچه ابواسحاق صابی تعمداً این لقب را پیوسته در کنار لقب

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب سپاسگزاری خود را از جناب آقای دکتر هادی عالمزاده استاد بازنشسته دانشگاه تهران در رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، به پاس عمری تلاش علمی و اخلاقی در جهت تربیت و تعلیم دانشجویان اعلام می‌دارند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

این تحقیق توسط دانشگاه علوم پزشکی مازندران تأمین مالی شده است (شماره اعتبار: ۱۰۳۷۱).

ملاحظات اخلاقی

تحقیق حاضر از سوی کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی مازندران به تأیید رسیده است (کد کمیته اخلاق: IR.MAZUMS.REC.1400.10371).

اطلاعات جامع در رابطه با دلایل تحقیق، نتایج، حفظ محرمانگی و نحوه انجام تحقیق به افراد داده شد و رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان اخذ گردید.

پی‌نوشت

۱- بعضی از آثار در هیچ کتابخانه و یا موزه فرهنگی و یا مجموعه‌های شخصی یافت نمی‌شود، مانند آثار ابوالحسن علی ابن حسین مسعودی (متوفی ۳۴۶ ق.) که خود در آثار برجای‌مانده‌اش معرفی نموده است: «فنون المعارف و ما جرى فی الدهور السوالف؛ ذخائر العلوم و ما کان فی سوالف الدهور؛ الاستذکار لما جرى فی سوالف الاعصار؛ الابانة فی اصول

خود او، چراکه در برخی نسخه‌ها او را علی بن عباس المتطبب معرفی نموده‌اند و نسبت مجوسی را برای ابوماهر موسی بن سیار به کار گرفته‌اند، سپس سهو کاتبان موجب جا به جایی نسبت «مجوسی» از استاد به شاگرد شده است. اگر مجوسی منسوب به درب المجوس در بغداد دانسته شود، آنگاه نمی‌توان برای اثبات آیین مجوسیت به این نسبت تکیه نمود. اختلاف نسخه‌ها در یادکرد از عضدالدوله می‌تواند از عدم اتحاد زمان نگارش و عرضه خصوصی و زمان عرضه عمومی این کتاب برخاسته باشد.

نتیجه‌گیری

شواهدی که در این پژوهش برای پاسخگویی به ابهامات بیان شده، تا حدودی توانسته است پاسخ‌های دقیق، کامل و منطقی را ارائه نماید. برای ابهامات مربوط به کنیه و همچنین اهوازی خواندن علی بن عباس و اختلاف نسخه‌ها در یادکرد عضدالدوله شواهد متقنی ارائه شده است، لذا پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آینده این مستندات در نظر گرفته شوند. در مورد دین علی بن عباس با توجه به مستندات هر چند مسلمان بودن و یا مجوسی بودن وی صددرصد تأیید و یا رد نشده است، ولی پیشنهاد می‌شود پژوهشگران احتمال بیشتر را مد نظر قرار دهند، یعنی علی بن عباس مجوسی و برای تأیید نهایی یکی از این دو احتمال بررسی نسخ بیشتری پیشنهاد می‌گردد. به نظر می‌رسد چنین پژوهش‌هایی می‌توانند زمینه‌ای مستند و علمی برای مطالعات تاریخی به ویژه در دوره اسلامی را فراهم آورند.

مشارکت نویسندگان

مصطفی معلمی: ایده مقاله، نگارش مقاله، جستجوی نسخ و منابع.

طاهره شاکری: نگارش مقاله، تنظیم و ویرایش مقاله، جستجوی منابع.

آسیه جوکار: نگارش مقاله، تنظیم و ویرایش نسخ، جستجوی منابع.

داشت. همچنین می‌دانیم ابوماهر در عراق به ویژه بغداد نیز حضور داشته است. بنابراین حضور علی بن عباس در بغداد دور از انتظار نیست (۵۱-۵۰).

۹- عدم شهرت علی بن عباس در میان پزشکان زمان خویش: علی بن عباس در مهم‌ترین جایی که باید هویت خویش به عنوان مؤلف کتاب را بیان کند، چنین نوشته است: «و أمّا اسم واضع هذا الكتاب: فهو علی بن العباس المجوسی المتطبب تلمیذ أبی ماهر موسی بن سیار» (۲۳) ابن ابی‌اصیبه به نقل از عبیدالله بن جبرئیل ذکر نموده که به دستور عضدالدوله ۲۴ طبیب به طور دائم در بیمارستان عضدی مشغول شدند و نام تقریباً ده نفر را ذکر کرده است. نام علی بن عباس در این میان دیده نمی‌شود. برخی افراد که او نام برده، اطلاعات اندکی درباره آنان وجود دارد، مانند ابوالحسن ابن تفاع، ابونصر بن دحلی و ابوعلیسی بقیة. بنابراین عدم ذکر علی بن عباس در منابع بغداد نوشته دلیل بر عدم حضور وی نیست. ممکن است عدم شهرت وی موجب عدم توجه دیگران به او شده باشد (۶). ۱۰- اشتباه لقب عضدالدوله در نسخه دانشگاه پرینستون: گویا نسخه‌بردار آشنا به تاریخ نبوده و لقب عضدالدوله سلطان بویهی را به اشتباه عضدالله آورده است. در ترقیمه همین نسخه، کاتب نوشته است که از روی یک نسخه سقیمه (معیوب و ناخوانا) این نسخه را رونویسی کرده است، اما تبدیل عضدالدوله به عضدالله به هر ترتیب نشان‌دهنده بی‌اطلاعی نسخه‌بردار از تاریخ دارد.

۱۱- اختلاف حیات و مرگ عضدالدوله در نسخ و احتمال ضعیف دستبرد کاتبان در عدم وحدت رویه: اگر کاتب اراده کرده بود حیات و یا مرگ عضدالدوله را مطابق میل خویش آشکار و یا پنهان کند می‌توانست وحدت رویه ایجاد کند و در سراسر کتاب این کار را انجام دهد، اما چنین رویه یکسانی در هیچ نسخه‌ای از نسخه‌های مورد بررسی دیده نشد.

۱۲- لقب «الملک الجلیل» برای عضدالدوله: مخفی نیست تعبیر «الملک الجلیل» حتی به گواهی ابواسحاق صابی لقب مخصوص برای عضدالدوله نبوده است، بلکه عموماً برای پادشاهان به کار گرفته می‌شد (۵۷). ابوالحسین صابی این

الدیانة؛ سرّ الحیاة؛ القضايا و التجارب و...» این آثار در هیچ جا یافت نشده است (۱).

۲- آثاری نظیر کتاب اخبار الدولة العباسیة و یا حدود العالم من المشرق الی المغرب که شهرت فوق‌العاده‌ای دارند، اما مؤلفان آن ناشناخته‌اند.

۳- کنیه برای تکریم و احترام اشخاص کاربرد داشته، بنابراین افراد در معرفی خود از به کارگیری کنیه پرهیز می‌نمودند تا ادب فروتنی را رعایت کرده باشند، مگر آنکه جز به کنیه شناخته نشود و یا کنیه مشهورتر از اسم باشد (۵).

۴- جاحظ در شیوه نامگذاری در میان عرب اشاره می‌کند که آنان برای تفأل و نیک‌بختی فرزندان خویش، نام اشخاص بلندمرتبه را برای آنان برمی‌گزیدند و بر این اساس، کنیه آنان نیز با کنیه صاحب آن نام یکی می‌شد، در نتیجه هر که علی نام داشت، ابوالحسن و هر که عمر نام داشت، ابوحفص خوانده می‌شد (۲۰).

۵- نظامی عروضی حضور علی بن عباس را در شیراز متذکر شده است. مجوسی خود در کتابش از شیراز یاد نکرده است. نظامی عروضی نیز به منبع خویش اشاره ننموده است (۲۸).

۶- در مجموعه‌های احادیث نبوی (ص) روایاتی در نکوهش قدریه وجود دارد، از جمله اینکه آنان را به مجوس تشبیه کرده‌اند. در برخی روایات استعانت از مجوس منع شده و گزارش‌هایی وجود دارد که مجوسیت کارگزاران و مقامات عالی‌رتبه دولت خلفای عباسی لکه‌ننگی به شمار آمده است (۳۷-۳۶).

۷- شخصیت‌هایی با کیش مجوسی، اما در شهرت آنان مجوسی گفته نشده، مانند زرارة بن عدی و اقرع بن حابس از بنی تمیم مجوسی بودند، اما در نسبت ایشان مجوسی گفته نشد. بزیست پیروزان (یحیی بن ابی منصور)، فضل بن سهل ذوالریاستین و مهیار دیلمی مجوسی بودند و مسلمان شدند، اما پیش از اسلام آوردن به شهرت مجوسی شناخته نمی‌شدند (۴۲، ۴۴).

۸- احتمال علی بن عباس پس از ورود به بغداد: مجوسی بر شاگردی خویش نزد ابوماهر موسی بن سیار بسیار تأکید

دشمنی را برخاسته از نامه‌ای می‌داند که جدش ابواسحاق پس از مرگ معزالدوله برای عضدالدوله نوشته بود، چراکه در آن نامه عضدالدوله بختیار برتر از همتران خویش دانسته شد (۵۷). ۱۳- گفته شده که ابوالحسین احمد بن عضدالدوله در اهواز خود را تاج‌الدوله نامید، البته منابع ترجیح داده‌اند تا این کار را تَلَقَّبَ بنامند و نه تلقیب! اما از آنجا که این القاب می‌بایست از سوی خلیفه اعطا شود و ملاک اعتبار آن در جامعه صدور از دربار خلیفه بوده، بنابراین بعید می‌نماید که خشنودی دستگاه خلافت در کار نبوده باشد. می‌توان احتمال داد خلیفه برای رهایی از سلطه بنی بویه این لقب را به فرزند عضدالدوله اعطا کرده باشد تا به این وسیله آتش فتنه و درگیری میان بویه‌یان را برافروخته‌تر نماید (۵۵، ۵۷) به قول سعدی سر مار به دست دشمن کوفتن که این یک سیاست کهن و رایج میان صاحبان قدرت بوده است.

References

1. Masudi A. *Muruğ al-Dahab wa Maadin al-Ġawhar*. Edited by Asad Dağir Y. Beirut: Dar al-Andulus; 1965. [Arabic]
2. *Hudud al-Alam*. Edited by Sotoudeh M. 1st ed. Tehran: Tahoori Library; 1983. [Arabic]
3. Bahramian A. *The Great Islamic Encyclopedia*. 2nd ed. Tehran: Islamic Encyclopedia Center; 1998. Vol.7 p.153-156. [Persian]
4. Mağusi A. *Kamil al-Şina'a al-Ṭibbiya* (Royal Medicine). 1st ed. Qom: Ġalal al-Din; 2008. Vol.1 p.6, 266. [Arabic]
5. Qalqaşandi A. *Şubḥ al-A'sha*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya; 2012. p.410. [Arabic]
6. Ibn Abī Uşaybi'ah A. *Uyun al-Anba' fi Ṭabaqat al-Aṭibba*. Edited by Amer Najjar. Cairo: The Council Egyptian Public Library; 2001. p.319, 416. [Arabic]
7. Brown E. *History of Islamic Medicine*. Translated by Rajabnia M. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 1964. [Persian]
8. Richter-Bernburg L. *Masail Mağusiya; Mulaḥizat fi Mu'allif al-Kitab al-Maliki*. *History of Arabic sciences Magazine*. 1980 4(1): 363-375.
9. Richter-Bernburg L. Ali B. Abbas Majusi. *Encyclopedia Iranica*. 1985; 1(8): 837-838.
10. Ghafari SMK, Khezri A. *Kamil al-Sina a Attibbiyah*. SJKU. 2013; 18(1): 122-127.
11. *Ulum wa Funun, Educated Ancestors: Ali b. Abbas Mağusi* (d. 384/994). *Quarterly Kitab Mah*. 2010; 3(36): 79-84.
12. Zargaran A, Zarshenas MM, Ahmadi SA, Vessal K. *Haly Abbas (930-994 AD)*. *Journal of Neurology*. 2013; 260: 2196-2197.
13. Puyan N. *Hally Abbas, Iranian celebrated physician who wrote an excellently organized medical compendium*. *Q J Med Ethics*. 2008; 2(5): 155-177.
14. Ahmadzadeh A, Ahmadzadeh A. *Ali ibn Abbas al-Majusi Ahvazi Arjani*. *Sci Med J*. 2011; 10(2): 121-129.
15. Changizi Ashtiyani S, Shamsi M, Kabirinia K, Tabatabaei ST. *The opinions of Ali ibn Abbas Ahvazi renowned physician of Islamic culture and civilization*. *Research in Medicine*. 2011; 35(3): 125-138.
16. Hsieh HF, Shannon SE. *Three approaches to qualitative content analysis*. *Qualitative Health Research*. 2005; 15(9): 1277-1288.
17. Ibn al-Aibri GH. *Muḥtaşar al-Duwal*. Beirut: Dar al-Şarq; 1992. Vol.1 p.175. [Arabic]
18. Ibn al-Qifti A. *Tarih al-Ḥukama*. Leipzig: Dieterich'sch Verlagsbuchhandlung; 1903. p.232. [Arabic]
19. Sarkis A. *Mu'ğam al-Maṭbuat al-Arabiya*. Cairo: Sarkis Press; 1928. Vol.2 p.1619. [Arabic]
20. Al-Ġaḥiẓ Amr ibn Baḥr. *Al-Ḥayawan*. Edited by Harun A. Beirut: Dar al-Gil; 1996. [Arabic]
21. Abi M. *Naṭr al-Durr fi al-Muḥadīrat*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya; 1424 AH. Vol.2 p.129. [Arabic]
22. Available at: <https://www.wdl.org/en/item/9716/view/1/1/>.
23. Mağusi A. *Kamil al- Şina'a al-Ṭibbiya* (Royal Medicine). 1st ed. Qom: Ġalal al-Din; 2008. Vol.1 p.135, 266. [Arabic]
24. Ibn Ḥurdadbih U. *Al-Masalik wa al-Mamalik*. Beirut: Dar Şadir; 1988. p.46-47. [Arabic]
25. Ibn Rustih A. *Al-Alaq al-Nafisa*. Beirut: Dar al-Sadr; 1892. p.106. [Arabic]
26. Ibn al-Faqih A. *Al-Buldan*. Beirut: Alam al-Kitab; 1996. p.406. [Arabic]
27. Mağusi A. *Kamil al- Şina'a al-Ṭibbiya* (Royal Medicine). Translated by Khaled Ghaffari SM. Tehran: Tehran University; 2009. p.323. [Persian]
28. Niẓami Aruzu Samarqandi A. *Four Articles*. Tehran: Amirkabir Publications; 1990. p.124. [Persian]
29. Brown E. *History of Iranian Literature from Ferdowsi to Saadi*. Translated by Mojtabaei F. Tehran: Morvarid; 2008. Vol.1 p.164. [Persian]
30. Safa ZA. *History of Iranian Literature*. Tehran: Ferdows; 1992. Vol.1 p.346, 409. [Persian]
31. Available at: <https://www.digital.bodleian.ox.ac.uk/objects/05c4dcf7-d819-4c38-83c8-fc7c7ba340d7/>.
32. Available at: <https://www.dpul.princeton.edu/islam/icmss/catalog/1v53jx03x>.
33. Available at: <https://www.makhtota.ksu.edu.sa/mostafa.info/data/arabic/depot/gap.php?file=m012016.pdf>.
34. Available at: <https://www.makhtota.ksu.edu.sa/search/0>.
35. Available at: <https://www.inlibris.com/wp-content/uploads/2021/01/img-bn53684.jpg>.
36. Ibn Asakir A. *Tarih madina dimaşq*. Edited by Şiri A. Beirut: Dar al-Fikir; 1995. [Arabic]

37. Alimardi MM, Khyberi H. Magi in Islamic Traditions. Journal of Seven Heavens. 2015; 67: 5-24.
38. Available at: https://www.qdl.qa/en/archive/81055/vdc_100023646430.0x0000ba.
39. Mağusi A. Kamil al-Şina'a al-Ṭibbiya (Royal Medicine). Cairo: Bulaq; 1294 AH. [Arabic]
40. Moallemi M, Hosseini Karnami SH, Afzali MA, Muzaffarpour SA. Study of Şahib ibn Abbad's medical knowledge based on his contemporary medical sources. The History of Islamic Culture and Civilization Quarterly Journal of Research. 2016; 7(23): 31-48.
41. Ibn Sina H. Rasail ibn Sina. Qom: Bidar Publications. No Date. p.416. [Arabic]
42. Ibn Qutaybah A. Al-Ma'arif. Researcher: Tarwat Ukaša. Cairo: The Council Egyptian Public Library; 1960. p.621. [Arabic]
43. Ḥatib Bağdadi A. History of Baghdad. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya; 1997. Vol.12 p.336. [Arabic]
44. Samani AK. Ansab. Research by al-Tamimi A. Hyderabad: Al-Ma'arif al Uṭmaniya; 1962. Vol.5 p.390. [Arabic]
45. Samani AK. Ansab. Research by al-Tamimi A. Hyderabad: Al-Ma'arif al Uṭmaniya; 1962. Vol.12 p.99-100. [Arabic]
46. Ḥatib Bağdadi A. History of Baghdad. Beirut: Dar al-Kutub al Ilmiyya; 1997. Vol.3 p.163. [Arabic]
47. Ibn Abi al-Şaqr al-Laḥmiyya al-Anbari M. Maşyaḥa. Riyad: maktaba al-Ruṣd; 1997. Vol.1 p.146. [Arabic]
48. Samani AK. Ansab. Research by al-Tamimi A. Hyderabad: Al-Ma'arif al Uṭmaniya; 1962. Vol.13 p.539. [Arabic]
49. Husayni Ḥanbali A. Qala'id al-Ġiyad. Kuwait: Center for Research and Studies in Kuwait; 1430 AH. p.285. [Arabic]
50. Ṭabari A. Mu'aligaṭ al-Buqratiyya. London: Al-Furqan Foundation for Islamic Heritage; 1419 AH. p.50. [Arabic]
51. Kirmani N. šarḥ al-Asbab wa al-Alamat. Qom: Ġalal al-Din; 2008. Vol.1 p.121. [Arabic]
52. Available at: <https://www.ketabpedia.com/%D8%AA%D8%AD%D9%85%D9%8A%D9%84%D9%83%D8%A7%D9%85%D9%84%D8%A7%D9%84%D8%B5%D9%86%D8%A7%D8%B9%D8%A7%D9%84%D8%B7%D8%A8%D9%8A%D9%87%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%88%D9%81%D8%A8%D8%A7%D9%84%D8%B7%D8%A8-%D8%A7%D9%84%D9%85>.
53. Miskawayh Razi A. Tağarib al-Umam wa Ta'aqub al-Himam. Edited by Imami A. Tehran: Soroush; 1987. Vol.7 p.100. [Persian]
54. Ibn Ġuzi A. Al-Muntazam. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya; 1992. Vol.14 p.289. [Arabic]
55. Ruzrawari M. Dayl Tağarib al-Umam. Edited by Abu al-Qasim Imami. Tehran: Soroush; 2000. Vol.7. [Persian]
56. Şabi H. Rusum Dar al-Ḥalafah. Beirut: Dar al-Ra'id al-Arabi. 2nd ed. 1986. p.94-95, 131-132. [Arabic]
57. Ṭa'libi A. Yatimat al-Dahr fi Maḥasin Ahl al-Aşr. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya; 1983. Vol.2 p.291. [Arabic]
58. Arezaei H. Is He Truly ibn al-Nafis? A Study on the Name and Title of 'Ala' al-Din al-Qarashi. Medical History Journal. 2020; 12(44): 1-26.